

«سیمای استان سمنان» از نگاهی دیگر

زندگی مردان بزرگ به ما یادآور می‌شود که ما نیز می‌توانیم به زندگی خویش اعتلا بخشیم و پس از رحیل، پشت سر خود، اثر پایمان را بر شنهای زمان برجای نهیم.

هنری لانگ فلو

نوشتن شرح حال رجال دین و دانش و ذکر آثار آنان، سنت حسنه و سابقه دیرینه‌ای در کشور ما دارد و از دیرباز مورد عنایت دانشمندان علم تراجم بوده است و بزرگانی در این زمینه آثار گرانسنگی از خود برجای گذاشته‌اند، از جمله **ریحانه الادب**، **مجالس المؤمنین** و...

کتاب **سیمای استان سمنان** تألیف محمدرضا دربیگی در شمار کتب فوق است که در شرح حال مشاهیر و معارف استان سمنان نوشته شده است. پیش از نویسنده کتاب مذکور، محقق معاصر، عبدالرفیع حقیقت در کتاب **تاریخ قومس** علاوه بر تاریخ قومس به شرح زندگی مشاهیر استان پرداخته که یکی از منابع کتاب مورد بحث ماست.

کتاب **سیمای استان سمنان** قبلاً به وسیله آقای حمیدرضا نظری در همین مجله معرفی شده و مزایای آن را بر شمرده^۱ و چند نکته‌ای را که ضروری دانسته، ذکر کرده است. نگارنده اهتمام نویسنده را در خور توجه و احترام می‌داند و نکاتی را که در هنگام مطالعه کتاب یادداشت کرده و برای آراسته‌تر کردن آن در چاپهای بعدی بی‌فایده نمی‌داند ذکر می‌کند.

اشتباهات علمی و تاریخی

الف) چون برخی از شخصیتها و مفاخر کتاب دو یا چند نام داشتند یا نام آنان در کتب تصحیف شده، نویسنده آنان را دو یا سه شخصیت پنداشته و زندگی آنان را در ذیل مدخلها و عناوین متفاوت آورده است، به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱- در ص ۷۸ در ذیل زندگی نامه «ضیاءالدین بسطامی» نوشته است «الامام العالم ضیاءالدین عمر بن محمد بسطامی از شعرای به نام بسطام است...» و مطالبی را عیناً از کتاب **لباب الالباب** عوفی نقل کرده و شعری را که عوفی از ضیاءالدین ثبت کرده، آورده است، با این مطلع:

بی مهر تو دل صواب نبود

زیراک به جز خراب نبود

و بیت ششم آن، این است:

در عشق بسی سؤال باشد

کان راهرگز جواب نبود

و در همان صفحه نام ضیاءالدین را نوشته و شرح حال وی را با ذکر دو کتاب از وی از کتاب **کشف الظنون** نقل کرده است و جالب‌تر اینکه در صفحه ۹۸ در ذیل نام «محمد بسطامی» آورده که محمد بن محمد بسطامی ملقب به «ضیاء بسطامی» در بسطام دیده به جهان گشود و از فضیلت عصر خویش بوده، وی از ذوق عرفانی برخوردار بوده و بیت ذیل از اشعار اوست:

در عشق بسی سؤال باشد

کو را نبود جواب هرگز

نویسنده اصلاً متوجه نشده که هر دو شخصیتها یکی هستند.^۲

۲- در ص ۴۲ ذیل زندگینامه «هدایت‌الله ابرسجی» نوشته میرزا هدایت‌الله ابرسجی شاهرودی در روستای ابرسج دیده به جهان گشود و...

و در ص ۵۰، هدایت‌الله اوریجی را شخصیت دیگری پنداشته و دو سطر شرح حال و زندگی وی را از کتب تذکره نقل کرده است، در حالی که اوریج تصحیفی از ابرسج است که حاجی خلیفه در **کشف الظنون** و دیگران در کتب خود به جای ابرسج به کار برده‌اند. ۳- در ص ۸۲ زندگی «عبدالرحمان بسطامی» را به همراه آثار او نوشته و در ص ۸۵ بار دیگر در ذیل نام عبدالرحمان بسطامی نوشته است: «از فضلا و دانشمندان قرن دهم هجری بوده و کتب ذیل را از خویش به یادگار گذاشته است» و آثار دیگری را از عبدالرحمان ذکر کرده است. نویسنده دقت نکرده که عبدالرحمان بسطامی که شرح حال وی را در ص ۸۲ نوشته، همین عبدالرحمان مذکور است.

۴- در ص ۹۰ ذیل عنوان «علی بسطامی» نوشته است که «علی بن مجدالدین شاه دودی بسطامی از مورخین و ادبای قرن هشتم هجری است و...»

و در ص ۴۵۲ در ذیل عنوان، علاءالدین شاهرودی بسطامی نوشته است: علاءالدین علی بن مجدالدین محمد بن محمد بن محمد بن مسعود از مشاهیر اسلام در قرن نهم هجری است، وی از نوادگان فخر رازی است و...

۵- در ص ۱۰۱ شرح حال محمد طاهر بن حسن خادمی بسطامی را که از مورخین سده یازدهم بسطام است نوشته و کتاب **فتوحات فریدونیه** را از وی ذکر کرده و بخشهای کتاب را بر شمرده است و شگفت آنکه در ص ۱۸۶ وی را از شعرای قرن دهم هجری دانسته و کتاب **فتوحات فریدونیه** را از وی ذکر کرده است.

ب) ابوعلی فارمدی را منسوب به فرومد شاهرود دانسته که اشتباه است. وی از فارمدطوس خراسان است.^۳ نویسنده کتاب **تاریخ قومس** نیز همین اشتباه را کرده است.^۴ و در ص ۲۸۹ فاضل زیدری را که منشی جلال‌الدین خوارزمشاه بوده منسوب به زیدرشاهرود دانسته که نادرست است و از زیدرنساء خراسان است.^۵

ج) شرح حال برخی شخصیتهای معروف را نیاورده است، مثلاً شرح حال ابو عبداللّه داستانی، وی از همراهان ابوالحسن خرقانی بود که نام و حکایات او در کتابهای **نورالعلوم** و **تذکره الاولیاء** آمده است. از جمله شخصیتهای معروف بسطام که نویسنده نام آنها را در کتاب نیاورده عبارت اند از:

۱- رستم خوریانی بسطامی.

۲- ابوغانم بسطامی که از فضلا و نویسندگان قرن ششم بوده و با رشیدالدین وطواط هم عصر بود و از نائبان دیوان استیفا به شمار می‌رفت. وی نامه‌ای به رشیدالدین وطواط نوشته و رشید در جواب نامه به دیدار وی اظهار اشتیاق نموده و بلاغت انشای او راستوده است.

۳- ظهیرالدین بسطامی که قاضی معروف اصفهان در قرن ششم بوده و با خانواده خجندیان در اصفهان حشر و نشر داشته و کتاب **شکر**

مقاله‌های تحقیقی یا کتبی است که منحصراً درباره زندگی‌نامه یک شخصیت نوشته می‌شود برای نمونه:

ممدوحین منوچهری:
۱- منوچهرین قابوس که شرح حال وی و حدود ۹ نفر دیگر را نوشته است.

یا «یادکرد شعرای ایران متقدم در اشعار منوچهری» که حدود سی نفر از شعر را که نام آنها در دیوان منوچهری آمده ذکر کرده و شرح حال هر کدام از آنها را نوشته و ابیاتی را از منوچهری نقل کرده که نام آنها در آن ابیات آمده است. مثلاً: ابو عبدالله رودکی، ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی از بزرگ‌ترین شعرای قرن چهارم و...
شاعر در قصیده وصف بهار از وی چنین یاد نموده است:
[شاعر و مهتر دلست و زیرک و والا

رودکی دیگرست و نصرین احمد]
در قصیده لغز شمع چنین آورده است:
در خراسان، بوشعیب و بوذر آن ترک کشی

و آن صبور پارسی وان رودکی چنگ زن
حدود شصت و چهار صفحه از کتاب را به شرح حال زندگی و آثار منوچهری دامغانی اختصاص داده یا درباره شرح حال ابن‌یمین به نکاتی پرداخته است که جای آن در این کتاب نیست، مثل:
۱. معنای لغوی قطعه، ۲. وجه تسمیه قطعه، ۳. تعریف اصطلاحی قطعه.
یا ممدوحین در شعر ابن‌یمین و...
(ه) در ص ۱۰۴ تاریخ تولد فاضل بسطامی را اشتباهاً ۱۲۲۵ نوشته که درست آن ۱۲۲۷ است.^{۱۱} نگارنده در پایان موفقیت نویسنده را آرزومند است و چشم به راه آثار جدید اوست.

پانویسها:

- کتاب ماه ادبیات و فلسفه، سال چهارم، شماره ۱۱ و ۱۰، مرداد و شهریور ۱۳۸۰، ص ۶۲.
- نگارنده شرح حال وی را مشروحاً نوشته است، رک: فرهنگ قومس سال پنجم شماره‌های ۱۸ و ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، ص ۹۷-۸۷.
- رک: اسرار التوحید، محمد بن منور، به تصحیح دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، ج ۲، ص ۶۷۲.
- تاریخ قومس، عبدالرفیع حقیقت، ص ۳۶۹.
- برای اطلاع بیشتر درباره زندگی وی، رک: تاریخ جامع شهرستان شاهرود، محمدعلی شفیعی چاپ اول، زمستان ۱۳۷۸، ص ۹۴.
- نگارنده شرح حال وی را مشروحاً نوشته و نامه‌هایی را از او تصحیح کرده است، رک: مجموعه رسائل فارسی، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس، شماره ۶، صص ۱۴۲-۱۱۷.
- آتشکده آذریگدلی، ج ۱، تصحیح دکتر سادات ناصری، ص ۲۶۰.
- تحفه سامی، سام میرزا، تصحیح وحید دستگردی، ص ۱۵۰.
- همانجا، ص ۷۷.
- همانجا، ص ۱۶۸.
- برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به شرح حال زندگی فاضل بسطامی، از نگارنده مجله میراث جاویدان، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، صص ۱۴۸-۱۳۹.

و شکایت را برای جمال‌الدین موصول نوشته است.^۶

- شرح حال نظام‌الدین بسطامی .
- ملا احمد بسطامی از شاگردان شیخ محمد حسن صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری.
- فصیح‌الدین بن عبدالکریم بسطامی مؤلف کتاب مطلع الانوار.
- طیفور بن حسن بن عامر بسطامی.
- محمد رضا بسطامی.
- محمد بن بکر بسطامی.
- میرزا وصالی بسطامی. گویند مهربان، خلیق، مستعد، سخندان بوده، این دو بیت شعر از اوست:
مستانه گذشت وصالی به کوی دوست
آنجا رسید و سستی پا را بهانه ساخت

پیش اغیارم زمجلس راند، خواری را ببین

غیر بازم می‌برد، بی اعتباری را ببین^۷

- محو بسطامی، در اقسام شعر به غایت شیرین کلام بود و در خدمت خواجه عبدالله مروارید بود. اشعار زیر از اوست:
دلَم ز روز ازل مایل ستم شده است
مصاحب غم و همصحبیت الم شده است
قد تو عمر دراز من است پیش رقیب
نشسته و مرانیم عمر کم شده است

نمی‌خواهم که دل در بند آن زلف دو تا افتد
چرا از پهلوی من دردمندی در بلا افتد^۸

- مولانا قرشی، از دیار بیارجمند است و عاشق پیشه و دردمند و مدتها ملازمت سلسله نوربخشیه کرده و به قدر در رمل و قوفی دارد.
این مطلع ازوست:

پیرم و مست و از این حال پریشانم سخت

که مبادا از سرکوی تو بر بندم رخت^۹

- تزریقی بیارجمندی، از بیارجمند است و به کلاه‌دوزی اوقات می‌گذراند و در هزل اشعار بسیار دارد که ایراد آن لایق سیاق کلام نیست و فی الواقع در آن باب سحر کرده بود، اما در این اوقات تایب شده، شعر می‌خواهد معقول بگوید، اما نامعقول می‌گوید، این مطلع از آن جمله است:

بودم اسیر زلفش و خط نیز رخ نمود

- شد مهر من یکی دو به آن مه از آنکه بود^{۱۰}
(د) با اینکه نویسنده در مقدمه کتاب نوشته است: «در تبیین زندگی‌نامه‌ها فرازهای کلیدی حیات شخصیتها و احیاناً نمونه‌هایی از آثار ایشان مطمح نظر قرار گرفته است»، در شرح حال بایزید بسطامی، ابوالحسن خرقانی، علاءالدوله سمنانی، ابن‌یمین فریومدی و منوچهری دامغانی این نکته رعایت نشده است، مثلاً نویسنده در شرح حال منوچهری دامغانی به مطالبی اشاره کرده که مخصوص